

بر خود در ادراک همه درستی چون کج نماند بکج در بدستنی  
وز کش مکش عقل و نظرواستی هر چند که لافند از بصیرت عارف  
باشند ز همه سخنان کاشف کدر حرم قدس تو کرد طایف  
عمری نشود ز کینه ذات و آفت معراج بعین تالی که نامیده شده است  
بعالم معانی نیز لذات بنفاس میل بعین اول که آن شان کمال محلد  
است  
و در مرتبه است که ملک یعنی عالم اجسام و اشباح اربلکون که  
ارواح و ملکوت ارجیوت که مرتبه صفات و جبروت از لاهوت  
که مرتبه ذات مختارند و معلوم آن ذات بی نیاز بنیاد و معلوم  
ذاتی چه عالم بقلم مستند عجمت بلوح و علم بلوح مفضی علت  
مهیولی و هکذا الی یا مثلاً الله نعم و درین مرتبه آنچه مختارند اشیا  
اما بر خود و اما خود شعور ندارند اصلاً و مفضی بعد در غیر خود  
نیستند چون صورت نایب در ذهن ما و اعتبارات را درین مرتبه  
عیان نایب و مهبیات و صورتشونات زانیه می نامند که آن سمونات  
در تعبیر اول سنج و سنج بودند و این هردو تعبیر را مرتبه  
غیب بخوانند عر فاسیب غایب بودن اشیا از خود و امثال خود  
در اینجا نیز که هیچ چیز را ظهور نیست در و مگر حق سبحانه و نعم  
مرتبه دوم از تن لاک عالم ارواح و مجردات و آن مرتبه ظهور  
حقایق کونیه محرده ببطه است بر نفس خود را و بر مثل خود را  
از مهبیات مرتبه سوم عالم مثال است که در نظرا بر باب کمال وجود  
اشیا بر که لطیفه است از ملکات که قابل مجزیه و خیری و انبیا  
نیستند بالذات و این عالم بر زخمت و مد فاصل میان ارواح و اجسام و  
مفصل است

مفصل است بخیا متصل که صور خیالات و اوهام و خیال  
مفصل که می قوی در ماضی حقیقت و حاصل و بخت اطلاق  
و تفریح اجزاء و تشخیص اخلاق و اعمال عباد و ظهور معانی  
صورت بنا سبب دانی و مشاهده ذوات مجزوات در صور اشیا  
جمالی همه درین عالم مرتبه چهارم عالم اجسام و این  
مرتبه وجود اشیا کثیفه مرتبه است که قابل مجزیه اند و انبیا و انرا  
عالم حجت و شهادت نامست و این عالم در نظر خواص از عرش رحمت  
ناب عالم خال و آنچه درین میان است از صور اجناس و اشباح انواع  
و انبیا مرتبه پنجم مرتبه جامع است مرجع مراتب را که  
تفصیلاً حقیقت عالم و اجالا صورت جامع از همه در آن  
کامل نامت اسما و صفات تعبیر از حوت ذاتی حاشا است و مظهر  
اسم الله است که مجمع جمیع اسما و صفات است می اشیا و همه در وی  
هم چون اندراج جزویات در تحت کلیات فال الله نعم الی باب ششم  
خبرام الله الواحد القهار بلکه در شاه آدم و حیزه است که در عالم  
بنت کلی آنکه هر یک از شیون و صفات ذات همچون در وی برنگ  
هم بر آمد است مشابه تعبیر اول را بیکر آنکه شیون و صفات در  
مرتبه جمعیت الهی بالقوه است و محل و در مظا هر منفرد عالم  
و مفصل و در شاه آن کامل همه طوری حاصل است زیرا که در  
وی دفعه بالقوه است و محل و بر سبیل تدلیج بالعقل است و  
از مرتبه ذات شده حوضی نازل گردید کالنج عالم حاصل  
غیب است و در کروج و مثال آنکه تسبیح همه کتران شد آن کامل